****

[**(مسألة 346)** 1](#_Toc487717588)

[حکم نقص سعی در صورت عدم تمکن از تدارک سعی 2](#_Toc487717589)

[حکم نقص اشواط سعی نسیانا 3](#_Toc487717590)

[کلام محقق خوئی ره 3](#_Toc487717591)

[ادله مشهور در حکم به وجوب قضاء تمام سعی 6](#_Toc487717592)

[روایت اول: ابی بصیر 6](#_Toc487717593)

[روایت دوم: روایت اسحاق بن عمار 6](#_Toc487717594)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**(مسألة 346)**

**إذا نقص من أشواط السعي عامدا عالما بالحكم أو جاهلا به‌ و لم يمكنه تداركه الى زمان الوقوف بعرفات فسد حجه و لزمته الاعادة من قابل و الظاهر بطلان إحرامه أيضا و إن كان الاولى العدول الى حج الافراد و إتمامه بنية الاعم‌ من الحج و العمرة المفردة. و أما إذا كان النقص نسيانا فان كان بعد الشوط الرابع وجب عليه تدارك الباقي حيث ما تذكر و لو كان ذلك بعد الفراغ من اعمال الحج. و تجب عليه الاستنابة لذلك إذا لم يتمكن بنفسه من التدارك أو تعسّر عليه ذلك و لو لاجل أن تذكره كان بعد رجوعه الى بلده، و الأحوط حينئذ أن يأتي النائب بسعي كامل ينوي به فراغ ذمة المنوب عنه بالاتمام أو بالتمام.**

**و أما اذا كان نسيانه قبل تمام الشوط الرابع فالأحوط أن يأتي بسعي كامل يقصد به الاعم من التمام و الاتمام، و مع التعسر يستنيب لذلك.[[1]](#footnote-1)**

## حکم نقص سعی در صورت عدم تمکن از تدارک سعی

اگر کسی اشواط سعی عمره تمتع را ناقص بجا آورده باشد، اگر از روی علم و عمد باشد، حکم کسی را دارد که سعی را تماما از روی علم و عمد ترک کرده و قبلا مطرح کردیم که بحث است که آیا حجش هم باطل است، بعد از این که عمره تمتع او قطعا باطل است، یا عمره تمتع به حج افراد منقلب می شود کما عن السید الزنجانی،

قبلا گفتیم به نظر ما ادله انقلاب به حج افراد، شامل ترک عمدی واجبات عمره تمتع نمی شود، زیرا ظاهر صحیحه ابان شامل این شخص نمی شود: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: أَضْمِرْ فِي نَفْسِكَ الْمُتْعَةَ- فَإِنْ أَدْرَكْتَ مُتَمَتِّعاً وَ إِلَّا كُنْتَ حَاجّاً.[[2]](#footnote-2)

زیرا و الا کنت حاجا، یعنی و ان لم تدرک، در حالی که به شخصی که عمدا سعی عمره را بجا نیاورده یا ناقص انجام داده، لم یدرک بقول مطلق صدق نمی کند.

ان قلت: اگر کسی تا آخر وقت نماز نخواند، صدق می کند که لم یدرک رکعة من الصلاة فی الوقت، با این که ترک نماز، عمدی بوده است، فکذلک فیما نحن فیه.

قلت: در صحیحه ابان، متعلق ادرکت ذکر نشده است و شاید مقصود این باشد که فان ادرکت وقت عمرة التمتع فی مکة، در حالی که این شخص، به زمانی که می شود عمره تمتع انجام بدهد، رسیده و آن را درک کرده است، ولی عمره صحیح را عمدا انجام نداده است، و این غیر از مثال نماز است، زیرا کسی که عمدا هم ترک نماز در وقت کند، بر او لم یدرک رکعة من الصلاة صدق می کند، اما این با صحیحه ابان فرق می کند و در آن نیامده ان ادرکت اعمال عمرة التمتع و شاید متعلق آن ان ادرکت وقت عمرة التمتع باشد که این شخص هم آن را درک کرده و لکن عمدا بجا نیاورده است.

البته اگر ما قائل بشویم به تخییر بین حج تمتع و حج قران و افراد بر همه مکلفین که آیت الله زنجانی قبلا قائل بودند و می فرمودند که دلیل نداریم که بر غیر مکی لازم باشد که حج تمتع به عنوان حجة الاسلام بجا آورد، فقط بر مکی حج تمتع مشروع نیست، طبق این مبنا می توان گفت این شخص می تواند حج افراد بجا آورد، اما عدول از عمره تمتع به حج افراد دلیل خاص می خواهد و صرف تخییر برای جواز عدول کافی نیست، زیرا اشکال این است که این شخص نیاز به احرام جدید دارد، احرام سابق برای عمره تمتع بوده و عدول به حج افراد نص خاص می خواهد، و گرنه بر خلاف قاعده اولیه خواهد بود.

لذا اگر کسی سعی عمره تمتع را عمدا بجا نیاورد، حجش باطل است.

## حکم نقص اشواط سعی نسیانا

اگر نقص سعی از روی نسیان باشد، مسلما مبطل عمره تمتع یا حتی حج نیست، زیرا از اصل نسیان سعی که بالاتر نیست، نسیان سعی تا آخر وقت موجب بطلان عمره یا حج تمتع نیست، چه رسد به نسیان بعض اشواط، اما سخن در این است که وظیفه این شخص بعد از تذکر، اتمام سعی سابق است، یا استیناف سعی جدید؟

مشهور گفته اند اگر نصف سعی را قبلا بجا آورده و نصف یا کمتر از نصف را فراموش کرده بوده، باید سعی سابق را اتمام کند و در صورت عدم تمکن از اتمام، برای تکمیل اشواط سعی، نائب بگیرد.

### کلام محقق خوئی ره

محقق خوئی فرموده: اصل این تفصیل مشهور، دلیل مطلقی ندارد و لکن دو مطلب است که بر روی آن تاکید می شود:

مطلب اول این است که فرضا مکلف خودش اگر به مکه برمی گشت، به او گفته می شد چون نصف سعی را قبلا انجام داده ای، آن را تکمیل کن، اما این که گفته شود نائب هم نصف سعی را کافی است که انجام دهد، دلیلی ندارد، دلیلی بر مشروعیت نیابت در مقداری از سعی نداریم، بلکه از روایات استفاده مشروعیت نیابت در تمام سعی می شود و لذا در فتوا گفته ایم اگر نقص سعی از روی نسیان باشد، اگر بعد از اتمام شوط چهارم باشد، واجب است مابقی را تکمیل کند و در صورت عذر، باید نائب بگیرد و احوط این است که نائب سعی کاملی به نیت اعم از اتمام و تمام از طرف منوب عنه انجام دهد.

(مبنای ایشان بر خلاف برخی دیگر همچون مرحوم امام و آیت الله سیستانی این است که انجام یک سعی کامل به نیت اعم کافی است و لازم نیست اول سه شوط به قصد تکمیل سعی ناقص انجام دهد و بعد از آن یک سعی کامل بجا آورد، بلکه احتیاط به شکل اول نیز تحقق می یابد، مگر منوب عنه او را در انجام احتیاط به شکل تکرار نائب کرده باشد)

مطلب دوم این است که این که مشهور گفته اند بعد از بلوغ نصف، می شود خود مکلف سعی را تکمیل کند، مختص به موسم حج است، اما اگر ماه ذی الحجة تمام شده باشد، وجهی ندارد که گفته شود این شخص سعی ناقص را اتمام کند، سعی از اجزاء حج است و باید موسم حج باقی باشد و گرنه سعی قبلی باطل شده و دلیلی بر کفایت اتمام آن نداریم، لذا احوط انجام سعی کامل به نیت اعم از تمام و اتمام است.

البته از روایاتی که در نسیان سعی، حکم به وجوب قضاء کرده، استفاده می شود که قضاء تمام سعی بعد از موسم مشروع است، زیرا تا از بلد خود برگردد به مکه، طبعا در نوع موارد ذی الحجة به اتمام می رسیده است.

این دو مطلب از محقق خوئی بود.

اما سوال این است که اصل نظر مشهور نسبت به تکمیل سعی ناقص به چه دلیل پذیرفته می شود، یعنی در همان فرضی که خود شخص می خواهد در موسم حج، تکمیل سعی کند، به چه دلیل تکمیل سعی مشروع و مجزی است، در حالی که ایشان موالات را در سعی معتبر می داند، لذا ایشان در جواب از این اشکال فرموده دلیل ما صحیحه سعید بن یسار است و اگر این روایت نبود، حتی قبل از انقضاء ماه ذی الحجة و در صورتی که حتی خود مکلف می خواست تکمیل سعی کند، حکم به عدم جواز آن می شد، چون فوت موالالت عرفیه شده است، اما این صحیحه مشکل را حل کرده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ مُتَمَتِّعٌ- سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهُ قَدْ فَرَغَ مِنْهُ- وَ قَلَّمَ أَظَافِيرَهُ وَ أَحَلَّ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَقَالَ لِي يَحْفَظُ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَإِنْ كَانَ يَحْفَظُ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةَ أَشْوَاطٍ- فَلْيُعِدْ وَ لْيُتِمَّ شَوْطاً وَ لْيُرِقْ دَماً- فَقُلْتُ دَمَ مَا ذَا قَالَ بَقَرَةٍ- قَالَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَفِظَ أَنَّهُ قَدْ سَعَى سِتَّةً- فَلْيُعِدْ فَلْيَبْتَدِئِ السَّعْيَ- حَتَّى يُكْمِلَ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ لْيُرِقْ دَمَ بَقَرَةٍ.[[3]](#footnote-3)‌

مستفاد از روایت مزبور این است که اگر کسی یک شوط از سعی را فراموش کرده، بعد از تذکر همان یک شوط را انجام دهد و طبعا اعتبار موالات را الغاء کرده و یک شوط هم که عرفا خصوصیت ندارد و معلوم می شود ملاک، تجاوز از نصف است.

لذا به نظر ایشان قبل از تجاوز نصف، همه سعی باید قضاء شود و بعد از تجاوز نصف، می توان تکمیل اشواط سعی نمود، به شرط این که موسم حج نگذشته باشد و خودش بخواهد تکمیل کند، نه این که نائب بگیرد.

این خلاصه کلام محقق خوئی است.

### ادله مشهور در حکم به وجوب قضاء تمام سعی

البته مشهور قائل به عدم اعتبار موالات عرفیه در سعی هستند و لذا باید دید مشهور چرا قبل از تجاوز نصف، حکم به وجوب قضاء تمام سعی کرده اند؟

ممکن است مشهور به برخی روایات استدلال کرده باشند:

#### روایت اول: ابی بصیر

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ‌ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ- وَ هِيَ فِي الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ وَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- فَجَاوَزَتِ النِّصْفَ فَعَلَّمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ- فَإِذَا طَهُرَتْ رَجَعَتْ فَأَتَمَّتْ بَقِيَّةَ طَوَافِهَا- مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي عَلَّمَتْهُ- فَإِنْ هِيَ قَطَعَتْ طَوَافَهَا فِي أَقَلَّ مِنَ النِّصْفِ- فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطَّوَافَ مِنْ أَوَّلِهِ.[[4]](#footnote-4)

برخی روایات فرموده سعی با طرو حیض باطل نمی شود و زن حائض می تواند اتمام سعی کند، لذا به قرینه آن روایات، این روایت حمل بر استحباب قطع سعی در صورت عروض حیض در اثناء می شود و بعد از این که پاک شد، این روایت فرموده اگر نصف سعی را انجام داده است، اتمام سعی کند، و گرنه استیناف سعی کند و مشهور از این روایت و همچنین روایت احمد بن عمر حلال، قاعده عامه استفاده کرده اند حتی در غیر از مورد حیض.

#### روایت دوم: روایت اسحاق بن عمار

این روایت درباره مریضی که بعد از شوط چهارم مجبور به قطع طواف و سعی شده است، فرموده معذور است و بعد از خوب شدن ما بقی را انجام دهد، مگر این که فقط سه شوط انجام داده باشد که باید استیناف سعی کند و گفته شده که این روایت شامل همه موارد می شود.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 150‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/149) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص296، أبواب وجوب عدول المتمتع إلی الإفراد...، باب21، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/296/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%AA%D9%85%D8%AA%D8%B9) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص492، أبواب أن من ظن تمام السعی فقصر...، باب14، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/492/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%DB%8C) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص454، أبواب أن المرأة إذا حاضت فی أثناء الطواف...، باب85، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/454/%D8%AD%D8%A7%D8%B6%D8%AA) [↑](#footnote-ref-4)